

عنوان مقاله:

ستاک ساختواژی: مفهومی جدایی گرا

محل انتشار:

فصلنامه زبان پژوهی، دوره 10، شماره 27 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 27

نویسنده:

فائزه ارکان - دانشگاه حضرت معصومه (س) قم

خلاصه مقاله:

عنصر ستاک ساختواژی، صورتی آوایی از یک واژه است که به عنوان واحدی انتزاعی، نقش عنصر پایه را در فرایندهای صرفی بر عهده دارد و مستقل از جنبه نحوی و معنایی واژه در این فرایندها عمل می‌کند. مسئله اصلی این مقاله، تحلیل مفهوم جدایی‌گرای ستاک ساختواژی، از دیدگاهی نوین است که فرض وجود آن در توجیه عدم تطابق یک به یک بین صورت و معنای سازه‌های واژه‌های صرفی-شده و مشتق ضروری است. نبود رابطه‌ای ثابت و یک به یک بین صورت و معنای عناصر ساختواژی موجود در واژه‌های غیربسیط، یکی از واقعیت‌های زبانی است که انگاره‌های صرفی تکواژبنیاد را در شماری از تحلیل‌های صرفی به‌چالش طلبیده است. چرا که انگاره‌های صرفی تکواژبنیاد نگاه تسلسلی به صرف دارند. در مقابل، رویکردهای واژه‌بنیاد به صرف، نگاهی جدایی‌گرا به رابطه بین صورت واژه و ابعاد نحوی و معنایی آن را اتخاذ کرده‌اند. از منظر فرضیه جدایی‌گرا که مهم‌ترین جنبه صرف واژه‌بنیاد است، بازنمون صرفی فرایندهای صرفی، متمایز از جنبه نحوی و معنایی آن‌ها است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که صورت‌هایی از یک واژه، طی فرایندهای صرفی، مقوله نحوی و معنای مشخصی ندارند، در واژگان ثبت نمی‌شوند و صورت آزاد هم نیستند، اما وجود آن‌ها الزامی است. این صورت آوایی، ستاک ساختواژی (ساخت صرفی محض) نامیده می‌شود که جداسازی آن از سطح نحو و معنای واژه، در یک فرایند صرفی می‌تواند مسئله عدم تقارن ساختواژی، مانند وجود یک ستاک مشترک در چند فرایند صرفی، یا چند ستاک برای یک واژه قاموسی را نشان دهد. همچنین قادر است اشتقاق بدون وندافزایی صورتی را به شیوه دقیق‌تری از رویکرد صرف تکواژبنیاد، تبیین نماید.

کلمات کلیدی:

ستاک ساختواژی، واژه، فرضیه جدایی، ساخت صرفی محض، صرف واژه بنیاد

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/871306>

